

## بررسی اعاده دادرسی در حقوق ایران

بهرام نوش دخت فارس<sup>۱</sup>، سیامک لطفیانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

بهرام نوش دخت فارس

### چکیده

اعاده دادرسی از جمله روش‌های فوق‌العاده شکایت از احکام است که راهی برای برگشت به دادگاه صادرکننده حکم قبلی محسوب می‌شود؛ با این هدف که دادگاه از رأی قطعی سابق خود بازگردد، چرا که شاکي مدعی است صدور آن رأی از روی اشتباه بوده و دلایل موجود اجازه نمی‌دهد که چنین حکمی باقی بماند. هدف اصلی از دادرسی حفظ حق و اجرای عدالت است و دادرسی نیز مانند سایرین در معرض خطا و اشتباه قرار دارد. در صورتی که در نتیجه دادرسی حکمی صادر شود که با خطا همراه باشد، تردیدی نیست که باید به طور مجدد مورد رسیدگی قضایی قرار گیرد. بنابراین برای اینکه رأی دادگاه‌ها مصون از خطا باشد، اعاده دادرسی پیش‌بینی شده است.

**واژگان کلیدی:** دادرسی، حقوق، اثر انتقالی، اثر تعلیقی

### مقدمه

#### انواع اعاده دادرسی

اعاده دادرسی با توجه به نحوه اقامه آن به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱- برابر بند الف ماده ۴۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر متقاضی اعاده دادرسی به طور مستقل آن را درخواست کند، این درخواست، اعاده دادرسی اصلی محسوب می‌شود. یعنی چنانچه بدون اینکه دعوایی در جریان رسیدگی باشد، یکی از طرفین حکمی که سابقاً صادر شده است، درخواستی را به عنوان اعاده دادرسی مطرح کند، این درخواست، اعاده دادرسی اصلی خواهد بود که باید ضمن دادخواست به دادگاه صلاحیت‌دار تقدیم شود.

۲- در مقابل اعاده دادرسی اصلی، اعاده دادرسی طاری قرار دارد که در بند ب همان ماده به آن اشاره شده است. اعاده دادرسی طاری در ضمن دادرسی مطرح می‌شود؛ این در حالی است که در اعاده دادرسی اصلی پرونده‌ای در حال رسیدگی نیست تا ضمن آن اعاده دادرسی مطرح شود.

### جهات درخواست اعاده دادرسی

اعاده دادرسی به استحکام احکام لطمه می‌زند و اعتبار احکام را سست می‌کند، بنابراین استفاده از آن بسیار محدود است و تنها در مواردی که قانون مقرر کرده، قابل استفاده است. در جلسه دادرسی نیز تنها به جهتی رسیدگی می‌شود که در دادخواست اعاده دادرسی قید شده است. بر اساس ماده ۴۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی، در اعاده دادرسی به جز آنچه که در دادخواست اعاده دادرسی ذکر شده است، جهت دیگری مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد.

### جهات اعاده دادرسی عبارتند از:

- ۱- موضوع حکم، مورد ادعای خواهان نبوده باشد. به عنوان مثال، خواهان از دادگاه، صدور حکم تخلیه را تقاضا کند و دادگاه علاوه بر صدور حکم تخلیه، حکم به پرداخت اجرت‌المثل صادر کند.
- ۲- حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد. مانند اینکه خواسته خواهان ۱۰ میلیون تومان است اما دادگاه بر اساس نظر کارشناس حکم به پرداخت ۱۵ میلیون تومان خسارت داده است. این جهت اعاده دادرسی در مواردی قابل تحقق است که خواسته پول رایج ایران، پول خارجی یا مالی کلی باشد. (مانند صد تن گندم یا سکه طلا) رایحه حکم مورد درخواست اعاده دادرسی دلیل تحقق این جهت اعاده دادرسی است.
- ۳- وجود تضاد در مفاد یک حکم که ناشی از استناد به اصول یا به مواد متضاد باشد. مثلاً دادگاه شرط ضمن عقد را نامشروع دانسته و در عین حال با استناد به ماده ۲۳۷ قانون مدنی، خوانده را ملزم به انجام آن شرط کرده است.
- ۴- حکم صادره با حکم دیگری در خصوص همان دعوا و اصحاب آن، که قبلاً توسط همان دادگاه صادر شده است، متضاد باشد؛ بدون آن که سبب قانونی موجب این مغایرت باشد.
- ۵- طرف مقابل درخواست‌کننده اعاده دادرسی حيله و تقلبی به کار برده که در حکم دادگاه موثر بوده است. حيله و تقلب می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد. مانند اینکه خواهان کاری کند که شخصی غیر از خوانده به عنوان خوانده در دادگاه حاضر شود و برخلاف واقع به صحت ادعاهای خواهان اقرار کند.
- ۶- حکم دادگاه مستند به اسنادی بوده که پس از صدور حکم، جعلی بودن آنها ثابت شده باشد.
- ۷- پس از صدور حکم، اسناد و مدارکی به دست می‌آید که دلیل حقانیت درخواست‌کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یادشده در جریان دادرسی مکتم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است.

### چگونگی رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی

دادگاه پس از بررسی دادخواست اعاده دادرسی، موضوع را صورت جلسه کرده و به همین وسیله قرار قبول یا رد دادخواست را صادر می‌کند. چنانچه قرار قبولی دادخواست صادر شود، دادگاه دستور تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ آن به همراه نسخه دوم دادخواست به طرف مقابل و ابلاغ وقت به درخواست‌کننده را صادر می‌کند. هرگاه قرار رد درخواست صادر شود، این قرار به طرفین ابلاغ می‌شود.

### مرجع اعاده دادرسی

بر اساس ماده ۴۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مرجع صلاحیت‌دار در رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی دادگاهی است که حکم قطعی را صادر کرده است. بنابراین اگر دادگاه بدوی حکم قطعی را صادر کرده باشد، همان دادگاه مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی است و در صورت قبول این درخواست به استناد تبصره ذیل ماده ۴۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی، رسیدگی ماهوی کرده و حکم مقتضی صادر می‌کند. حکم صادره توسط این دادگاه نیز طبق مقررات قابل تجدیدنظرخواهی است. در صورتی که دادگاه تجدیدنظر حکم قطعی را صادر کرده باشد، این دادگاه مرجع صالح برای اعاده دادرسی خواهد بود و در صورت قبول درخواست اعاده دادرسی و انجام رسیدگی‌های لازم، مبادرت به صدور رأی می‌کند که این رأی قطعی خواهد بود. البته در صورتی که جهت درخواست اعاده دادرسی، مغایرت دو حکم صادره از دادگاه واحد باشد، دادخواست اعاده دادرسی به شعبه دادگاه صادرکننده حکم دوم تقدیم می‌شود.

اگر تقاضای اعاده دادرسی به استناد ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب انجام شود، مرجع دریافت درخواست اعاده دادرسی به شرح زیر است:

- الف) متقاضیان و معترضان به احکام قطعیت‌یافته مرحله بدوی و تجدیدنظر هر استان به عنوان خلاف بین شرع باید به دادگستری همان استان مراجعه کنند.
- ب) متقاضیان و معترضان به احکام قطعیت‌یافته در دیوان عالی کشور و شعب تشخیص به عنوان خلاف بین شرع باید برای تسلیم درخواست و مدارک خود به دادستانی کل کشور مراجعه کنند.

ج) متقاضیان و معترضان به احکام قطعیت یافته در سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان خلاف بین شرع باید برای تسلیم درخواست و مدارک خود به نمایندگان حوزه نظارت قضایی ویژه در سازمان قضایی نیروهای مسلح همان استان یا به رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح در تهران مراجعه کنند.

#### مهلت درخواست اعاده دادرسی

مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه و به شرح زیر است:

۱- نسبت به آرای حضوری قطعی، از تاریخ ابلاغ.

۲- نسبت به آرای غیابی، از تاریخ انقضای مهلت واخواهی و درخواست تجدیدنظر.

البته در مواردی که درخواست کننده اعاده دادرسی عذر موجهی داشته باشد، باید دلایل عذر خود را ضمن دادخواست به دادگاهی که مرجع رسیدگی به اعاده دادرسی است، ارایه کند. دادگاه در این موارد در ابتدا به ادعای داشتن عذر، رسیدگی می کند و چنانچه عذر را موجه تشخیص دهد، قرار قبول دادخواست اعاده دادرسی را صادر و سپس دادخواست را برای انطباق داشتن یا انطباق نداشتن با جهت اعاده دادرسی بررسی می کند و در نتیجه قرار قبول یا رد اعاده دادرسی را صادر خواهد کرد. (ماده ۴۲۷ و ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی) مهلت های مقرر در مواد ۴۲۸، ۴۲۹ و ۴۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی نیز مبتنی بر این اصل است و هیچ مهلتی علیه کسی که قادر به استفاده از آن نباشد، آغاز نمی شود.

#### تمدید مهلت

تمدید مهلت درخواست اعاده دادرسی ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین کرده باشد. مواردی که با توجه به ماده ۴۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی، تمدید مهلت مجاز شمرده شده، دو مورد است:

۱- چنانچه شخصی که حق درخواست اعاده دادرسی دارد، قبل از انقضای مهلت اعاده دادرسی، ورشکسته یا محجور شود یا فوت کند، مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم، نسبت به مدیر تصفیه شخص ورشکسته و قیم شخص محجور و در صورت فوت به وراثت یا قائم مقام یا نماینده قانونی وراثت آغاز می شود. (ماده ۳۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی)

۲- اگر سیمت یکی از اشخاص که به عنوان نمایندگی از قبیل ولایت یا قیمومیت یا وصایت در دعوا دخالت داشته اند، قبل از انقضای مهلت درخواست اعاده دادرسی از بین برود، مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ حکم به کسی که به این سیمت تعیین می شود، آغاز خواهد شد و اگر زوال این سیمت به واسطه رفع حجر باشد، مهلت درخواست اعاده دادرسی از تاریخ ابلاغ حکم به کسی که از وی رفع حجر شده است، آغاز می شود. (ماده ۳۳۸ قانون آیین دادرسی مدنی)

#### چگونگی اجرای حکم مورد درخواست اعاده دادرسی

قابلیت اعاده دادرسی و حتی صرف درخواست اعاده دادرسی مانع از اجرای حکم نیست. در صورتی که قرار قبولی درخواست اعاده دادرسی صادر شود، از آنجاییکه با تشخیص دادگاه علایمی مبنی بر نادرست بودن حکم وجود دارد و اجرای آن ممکن است خساراتی را برای متقاضی اعاده دادرسی ایجاد کند، بنابراین در مواردی که جبران این خسارت ناممکن است، اجرای حکم متوقف می شود. با توجه به ماده ۴۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی، با صدور قرار قبولی اعاده دادرسی اصل بر توقف عملیات اجرایی حکم است؛ مگر اینکه محکوم به، مالی باشد و محکوم له تأمین مناسبی برای اجرای حکم بدهد. البته عملیات اجرایی زمانی متوقف می شود که حکم در حال اجرا باشد اما در صورتی که حکم قبلاً اجرا شده بود، دادگاه تا صدور حکم اعاده دادرسی نباید در خصوص اعاده وضعیت عملیات اجرایی تصمیم بگیرد. باید توجه داشت که دادگاه در این خصوص نباید رأساً اقدام کند بلکه با تقاضای خواهان اعاده دادرسی، دادگاه دستور توقف اجرای حکم را می دهد. پس از توقف عملیات اجرایی تا معلوم شدن نتیجه قطعی، اعاده دادرسی همچنان متوقف می ماند مگر اینکه محکوم به مالی باشد و محکوم له درخواست ادامه آن را مطرح کند که در این صورت با اخذ تأمین، عملیات اجرایی ادامه می یابد.

#### رأی دادگاه در مرحله اعاده دادرسی

چنانچه دادگاه پس از رسیدگی، درخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد درخواست اعاده دادرسی را نقض و رأی مقتضی صادر می کند. در صورتی که درخواست اعاده دادرسی در مورد قسمتی از حکم باشد، تنها همان قسمت نقض می شود. در صورتی که جهت اعاده دادرسی مغایرت دو حکم باشد و دادگاه پس از رسیدگی درخواست اعاده دادرسی را وارد بداند، حکم دوم (مؤخر الصدور) را نقض و حکم نخست در هر حال به قوت خود باقی خواهد بود. (ماده ۴۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی)

#### تصحیح رأی

تصحیح سهو یا اشتباهاتی که رأی صادره در مرحله اعاده دادرسی متضمن آن است، با توجه به ملاک ماده ۳۰۹ و تبصره ماده ۴۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی تا قبل از آن که مورد شکایت قرار گیرد، با دادگاه صادرکننده حکم خواهد بود که رأساً یا بنا به درخواست هر یک از طرفین در این خصوص اقدام می کند.

### چگونگی اجرای رأی صادره در مرحله اعاده دادرسی

در صورتی که حکم مورد درخواست اعاده دادرسی نقض شود، اقدامات اجرایی تا حدی که اجرا شده، باید به درخواست ذی‌نفع و با دستور دادگاهی که اجراییه را صادر کرده است، به حالت پیش از اجرا بازگردد اما اگر چنین حکمی قبلاً اجرا شده باشد، بازگشت عملیات اجرایی به حالت پیش از اجرا با توجه به ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی منوط به نهایی شدن حکمی است که پس از اعاده دادرسی صادر می‌شود.

اعاده دادرسی در لغت ترکیب اضافی متشکل از دو واژه‌ی «اعاده» و «دادرسی» است. اعاده مصدر باب افعال و از ریشه‌ی «عود» به معنای بازگرداندن، برگرداندن و کاری را دوباره انجام دادن است. به رسیدگی قضایی به ادعای طرح شده توسط خواهان با رعایت مقررات قانونی دادرسی گفته می‌شود. در اصطلاح به بررسی ماهوی یک دعوای قضاوت شده توسط دادگاه صادر کننده‌ی حکم، اعاده دادرسی گفته می‌شود.

### مبنای اعاده دادرسی

هدف اصلی از دادرسی حفظ حق و اجرای عدالت است. دادرسی وسیله اجرای عدالت است و دادرس نیز مانند سایرین در معرض خطا و اشتباه قرار دارد.

در صورتی که در نتیجه‌ی دادرسی حکمی صادر شود که با خطا همراه باشد تردیدی نیست که باید مجدداً مورد رسیدگی قضایی قرار گیرد. بنابراین برای این که رأی دادگاه‌ها مصون از خطا باشد؛ اعاده دادرسی پیش‌بینی شده است.

### انواع اعاده دادرسی

اعاده دادرسی با توجه به نحوه‌ی اقامه آن به دو نوع تقسیم می‌شود

۱) برابر بند الف ماده ۴۳۲ ق.آ.د.م اگر متقاضی اعاده دادرسی مستقلاً آن را درخواست کند این درخواست، اعاده دادرسی اصلی محسوب می‌شود. یعنی چنانچه بدون این که دعوایی در جریان رسیدگی باشد یکی از طرفین حکمی که سابقاً صادر شده است، درخواستی را به عنوان اعاده دادرسی مطرح کند این درخواست اعاده دادرسی اصلی خواهد بود که باید ضمن دادخواست به دادگاه صلاحیت‌دار تقدیم شود.

۲) در مقابل اعاده دادرسی اصلی، اعاده دادرسی طاری است که در بند ب همان ماده به آن اشاره شده است. اعاده دادرسی طاری در ضمن دادرسی مطرح می‌شود در حالی که در اعاده دادرسی اصلی پرونده‌ای در حال رسیدگی نیست تا ضمن آن اعاده دادرسی مطرح شود.

### چگونگی رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی

دادگاه پس از بررسی دادخواست اعاده دادرسی، امر را صورت جلسه نموده و به همین وسیله قرار قبول یا رد دادخواست را صادر می‌نماید. چنانچه قرار قبولی دادخواست صادر شود، دادگاه دستور تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ آن به همراه نسخه دوم دادخواست به طرف مقابل و ابلاغ وقت به درخواست کننده را صادر می‌نماید. هرگاه قرار رد درخواست صادر شود، این قرار به طرفین ابلاغ می‌شود.

### مرجع اعاده دادرسی

برابر ماده‌ی ۴۳۲ ق.آ.د.م مرجع صلاحیت‌دار در رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی دادگاهی است که حکم قطعی را صادر نموده است. بنابراین اگر دادگاه بدوی حکم قطعی را صادر نموده باشد، همان دادگاه مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی است و در صورت قبول این درخواست به استناد تبصره‌ی ذیل ماده ۴۳۵ ق.آ.د.م رسیدگی ماهوی نموده و حکم مقتضی را صادر می‌نماید. حکم صادره توسط این دادگاه نیز طبق مقررات قابل تجدیدنظرخواهی است.

در صورتی که دادگاه تجدیدنظر حکم قطعی را صادر نموده باشد، این دادگاه مرجع صالح برای اعاده دادرسی خواهد بود و در صورت قبول درخواست اعاده دادرسی و انجام رسیدگی‌های لازم مبادرت به صدور رأی می‌نماید که این رأی قطعی خواهد بود. البته در صورتی که جهت درخواست اعاده دادرسی مغایرت دو حکم صادره از دادگاه واحد باشد، دادخواست اعاده دادرسی به شعبه دادگاه صادرکننده حکم دوم تقدیم می‌شود.

اگر تقاضای اعاده دادرسی به استناد ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب انجام شود، مرجع دریافت درخواست اعاده دادرسی به شرح زیر است:

الف) متقاضیان و معترضین به احکام قطعیت یافته مرحله‌ی بدوی و تجدیدنظر هر استان بعنوان خلاف بین شرع بایستی به دادگستری همان استان مراجعه نمایند.

ب) متقاضیان و معترضین به احکام قطعیت یافته در دیوان عالی کشور و شعب تشخیص بعنوان خلاف بین شرع بایستی برای تسلیم درخواست و مدارک خودشان به دادستانی کل کشور مراجعه نمایند.

ج) متقاضیان و معترضین به احکام قطعیت یافته در سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان خلاف بین شرع بایستی برای تسلیم درخواست و مدارک خودشان به نمایندگان حوزه نظارت قضایی ویژه در سازمان قضایی نیروهای مسلح همان استان یا به رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح در تهران مراجعه نمایند.

### مهلت درخواست اعاده دادرسی

مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه و به شرح زیر است:

۱- نسبت به آرای حضوری قطعی، از تاریخ ابلاغ

۲- نسبت به آرای غیابی، از تاریخ انقضای مهلت واخواهی و درخواست تجدیدنظر

البته در مواردی که درخواست کننده اعاده دادرسی عذر موجهی داشته باشد، باید دلایل عذر خود را ضمن دادخواست به دادگاهی که مرجع رسیدگی به اعاده دادرسی است ارائه نماید. دادگاه در این موارد ابتدائاً به ادعای داشتن عذر، رسیدگی می کند و چنانچه عذر را موجه تشخیص دهد، قرار قبول دادخواست اعاده دادرسی را صادر و سپس دادخواست را جهت انطباق داشتن یا عدم انطباق با جهات اعاده دادرسی بررسی می نماید و در نتیجه قرار قبول یا رد اعاده دادرسی را صادر خواهد نمود. ماده ۴۲۷ و ۳۰۶ ق.آ.د.م. مهلت های مقرر در مواد ۴۲۸، ۴۲۹ و ۴۳۰ ق.آ.د.م نیز مبتنی بر این اصل است هیچ مهلتی علیه کسی که قادر به استفاده از آن نباشد شروع نمی شود.

### تمدید مهلت

تمدید مهلت درخواست اعاده دادرسی ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین نموده است. مواردی که با توجه به ماده ۴۳۱ ق.آ.د.م تمدید مهلت مجاز شمرده شده است دو مورد است که ذیلاً به آن اشاره می شود.

اول) چنانچه شخصی که حق درخواست اعاده دادرسی دارد قبل از انقضای مهلت اعاده دادرسی، ورشکسته یا محجور یا فوت شود، مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم به مدیر تصفیه شخص ورشکسته و قیم شخص محجور و در صورت فوت به وراث یا قائم مقام یا نماینده قانونی وراث شروع می شود. (ماده ۳۳۷ ق.آ.د.م)

دوم) اگر سِمَت یکی از اشخاص که به عنوان نمایندگی از قبیل ولایت یا قیمومیت و یا وصایت در دعوا دخالت داشته اند قبل از انقضای مهلت درخواست اعاده دادرسی از بین برود، مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ حکم به کسی که به این سِمَت تعیین می شود شروع خواهد شد و اگر زوال این سِمَت به واسطه رفع حجر باشد، مهلت درخواست اعاده دادرسی از تاریخ ابلاغ حکم به کسی که از وی رفع حجر شده است شروع می گردد. (ماده ۳۳۸ ق.آ.د.م)

### جهات درخواست اعاده دادرسی

اعاده دادرسی به استحکام احکام لطمه می زند و اعتبار احکام را سست می کند، بنابراین استفاده از آن بسیار محدود است و احکام تنها در مواردی که قانون مقرر نموده است، قابل استفاده است. در جلسه دادرسی نیز تنها به جهتی رسیدگی می شود که در دادخواست اعاده دادرسی قید شده است. (ماده ۴۳۶ ق.آ.د.م) جهات اعاده دادرسی عبارتند از:

۱- موضوع حکم، مورد ادعای خواهان نبوده باشد. خواهان از دادگاه تقاضای صدور حکم تخلیه، حکم به اجرت المثل را بنماید.

۲- حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد. مانند این که خواسته خواهان ده میلیون تومان است اما دادگاه براساس نظر کارشناس حکم به پرداخت پانزده میلیون تومان خسارت داده است. این جهت اعاده دادرسی در مواردی قابل تحقق است که خواسته پول رایج ایران، پول خارجی و یا مالی کلی باشد (مانند صد تن گندم یا سکه طلا) ارائه حکم مورد درخواست اعاده دادرسی دلیل تحقق این جهت اعاده دادرسی است.

۳- وجود تضاد در مفاد حکم که ناشی از استناد به اصول یا به مواد متضاد باشد. مثلاً دادگاه شرط ضمن عقد را نامشروع دانسته و در عین حال با استناد به ماده ۲۳۷ قانون مدنی، خوانده را ملزم به انجام آن شرط نموده است.

۴ - حکم صادره با حکم دیگری درخصوص همان دعوا و اصحاب آن، که قبلاً توسط همان دادگاه صادر شده است متضاد باشد بدون آن که سبب قانونی موجب این مغایرت باشد.

۵ - طرف مقابل درخواست کننده اعاده دادرسی حيله و تقلبی به کار برده که در حکم دادگاه موثر بوده است. حيله و تقلب می تواند مصادیق متعددی داشته باشد. مانند این که خواهان کاری کند که شخصی غیر از خوانده به عنوان خوانده در دادگاه حاضر شود و برخلاف واقع به صحت ادعاهای خواهان اقرار نماید.

۶ - حکم دادگاه مستند به اسنادی بوده که پس از صدور حکم، جعلی بودن آنها ثابت شده باشد. معقول بودن سند باید به موجب حکم نهایی اثبات شده باشد (م ۴۲۹) باید دانست اگرچه شهادت نامه برابر ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی سند محسوب نمی شود اما مشمول بند ۶ می باشد.

۷ - پس از صدور حکم، اسناد و مدارکی به دست می آید که دلیل حقانیت در خواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یاد شده در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است.

### جهت اعاده دادرسی جدید

به منظور اعتبار بخشی به آرای محاکم در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب تصویب شد و مقرر گردید در مواردی که به تشخیص رییس قوه قضاییه رأی دادگاه خلاف بین شرع باشد، این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب و پرونده برای رسیدگی مجدد به مرجع صالح ارجاع می گردد. بنابراین علاوه بر جهات مذکور در ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م، تشخیص رییس قوه قضاییه مبنی بر خلاف بین شرع بودن رأی دادگاه نیز یکی از جهات اعاده دادرسی است.

### آثار اعاده دادرسی

#### الف) اثر تعلیقی

##### ۱- اثر تعلیقی بر اجرای حکم

داشتن قابلیت اعاده دادرسی و حتی صرف درخواست اعاده دادرسی نسبت به حکم، اجرای آن را متوقف نمی سازد بلکه پس از ارائه درخواست اعاده دادرسی و صدور قرار قبولی آن، چنانچه محکوم به غیرمالی باشد اجرای حکم متوقف می گردد (بند الف ماده ۴۳۷ ق.آ.د.م) اما در صورتی که محکوم به مالی باشد و امکان گرفتن تأمین و جبران خسارت احتمالی وجود داشته باشد، به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسبی گرفته می شود و اجرای حکم ادامه می یابد. (بند ب ماده ۴۳۷ ق.آ.د.م) باید دانست که اجرای حکم در صورتی متوقف می شود که عملیات اجرایی در جریان باشد و محکوم علیه حکم مورد درخواست اعاده دادرسی درخواست صدور قرار توقیف عملیات اجرایی را بنماید.

##### ۲- اثر تعلیقی بر دادرسی اصلی

این اثر اعاده دادرسی در صورتی است که اعاده دادرسی از ابتدا به صورت طاری درخواست شده باشد. (ماده ۴۳۴ ق.آ.د.م) یعنی چنانچه حکمی که در خصوص اعاده دادرسی صادر می شود، مؤثر در دعوای اصلی (که اعاده دادرسی طاری ضمن رسیدگی به آن اقامه شده است) باشد، رسیدگی به دعوای اصلی را در قسمتی که حکم راجع به اعاده دادرسی در آن مؤثر است، تا صدور حکم نسبت به اعاده دادرسی به تأخیر می اندازد.

#### ب) اثر انتقالی

اعاده دادرسی در صورتی که قبول شود دارای اثر انتقالی است و دادگاه باید مجدداً نسبت به امور موضوعی و حکمی، رسیدگی کند و رأی صادر نماید.

##### ج) اثر اعاده دادرسی نسبت به سایر اشخاص

با توجه به ملاک مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ ق.آ.د.م باید گفت رأیی که در مرحله اعاده دادرسی صادر می شود فقط نسبت به درخواست کننده اعاده دادرسی و طرف مقابل او مؤثر است مگر این که رأی صادره قابل تجزیه و تفکیک نباشد که در این صورت نسبت به کسانی که مشمول حکم مورد درخواست اعاده دادرسی بوده ولی درخواست اعاده نکرده اند نیز خواهد شد.

##### چگونگی اجرای حکم مورد درخواست اعاده دادرسی

قابلیت اعاده دادرسی و حتی صرف درخواست اعاده دادرسی مانع اجرای حکم نیست. در صورتی که قرار قبولی درخواست اعاده دادرسی صادر شود از آنجا که با تشخیص دادگاه علایمی مبنی بر نادرست بودن حکم وجود دارد و اجرای آن ممکن است خساراتی را برای متقاضی اعاده دادرسی ایجاد نماید، بنابراین در مواردی که جبران این خسارت ناممکن است، اجرای حکم متوقف می شود. با توجه به ماده ۴۳۷ ق.آ.د.م با صدور قرار قبولی اعاده دادرسی اصل بر توقف عملیات اجرایی حکم است مگر این که محکوم به مالی باشد و محکوم له

تأمین مناسبی جهت اجرای حکم بدهد. البته عملیات اجرایی زمانی متوقف می‌گردد که حکم در حال اجرا باشد ولی در صورتی که حکم قبلاً اجرا شده بود دادگاه تا صدور حکم اعاده دادرسی نباید در خصوص اعاده‌ی وضعیت عملیات اجرایی تصمیم بگیرد. باید توجه داشت که دادگاه در این خصوص نباید رأساً اقدام نماید بلکه با تقاضای خواهان اعاده دادرسی، دادگاه دستور توقف اجرای حکم را می‌دهد.

پس از توقف عملیات اجرایی تا معلوم شدن نتیجه‌ی قطعی اعاده دادرسی هم‌چنان متوقف می‌ماند مگر این‌که محکوم به مالی باشد و محکوم‌له درخواست ادامه‌ی آن را بنماید که در این صورت با اخذ تأمین، عملیات اجرایی ادامه می‌یابد.

#### **رأی دادگاه در مرحله اعاده دادرسی**

چنان‌چه دادگاه پس از رسیدگی درخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد درخواست اعاده دادرسی را نقض و رأی مقتضی صادر می‌نماید. در صورتی که درخواست اعاده دادرسی در مورد قسمتی از حکم باشد، تنها همان قسمت نقض می‌شود. در صورتی که جهت اعاده دادرسی مغایرت دو حکم باشد و دادگاه پس از رسیدگی درخواست اعاده دادرسی را وارد بداند؛ حکم دوم (مؤخر‌الصدور) را نقض و حکم نخست در هر حال به قوت خود باقی خواهد بود. (ماده ۴۳۹ ق.آ.د.م)

#### **تصحیح رأی**

تصحیح سهو یا اشتباهاتی که رأی صادره در مرحله‌ی اعاده دادرسی متضمن آن است؛ با توجه به ملاک ماده ۳۰۹ و تبصره ماده ۴۳۵ ق.آ.د.م تا قبل از آن‌که مورد شکایت قرار گیرد، با دادگاه صادرکننده حکم خواهد بود که رأساً یا بنا به درخواست هر یک از طرفین اقدام می‌نماید.

#### **چگونگی اجرای رأی صادره در مرحله اعاده دادرسی**

در صورتی که حکم مورد درخواست اعاده دادرسی نقض گردد، اقدامات اجرایی تاحدی که اجرا شده است باید به درخواست ذی‌نفع و با دستور دادگاهی که اجرائیه را صادر نموده است، به حالت پیش از اجرا برگردد اما اگر چنین حکمی قبلاً اجرا شده باشد، بازگشت عملیات اجرایی به حالت پیش از اجرا با توجه به ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی منوط به نهایی شدن حکمی است که پس از اعاده دادرسی صادر می‌شود.

### نتیجه گیری

گاهی این سوال به ذهن متبادر می گردد که آیا امکان اعاده دادرسی مجدد نسبت به حکمی که پس از رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی صادر و قطعی می شود وجود دارد؟ ماده ۶۰۷ قانون آئین دادرسی سابق مصوب ۱۳۱۸ در این خصوص بیان می داشت: (نسبت به حکمی که در نتیجه دادخواست اعاده دادرسی صادر می شود دیگر اعاده دادرسی پذیرفته نخواهد شد) بدین معنی که فقط یک بار اعاده دادرسی از احکام قطعی را مجاز می دانست در حالیکه قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ رویه بینابینی را در پیش گرفته و ماده ۴۴۰: آن بیان می دارد: (نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می گردد دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نخواهد شد). بدان معنی که از جهات دیگر قابل اعاده دادرسی مجدد می باشد که این روش به عدالت نزدیک تر می باشد و ضمن حفظ قطعیت آراء حق متضرر از حکم صادره را نیز لحاظ می نماید.

## منابع و مراجع

- ۱- اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد، (۱۳۸۵)، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، نشر شهر دانش.
- ۲- امامی، سید حسن، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی، ج ۱، چاپ بیست و سوم، تهران، نشر اسلامیه.
- ۳- امامی، سید حسن، (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، ج ۲، چاپ یازدهم، تهران، نشر اسلامیه.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، چاپ سوم، تهران، نشر گنج دانش.
- ۵- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی (آثار قراردادهای و تعهدات)، ج ۳، چاپ اول، تهران، نشر مجد.
- ۶- عمید، حسن، (۱۳۶۹)، فرهنگ عمید، ج ۱، چاپ هفتم، تهران، نشر امیر کبیر.
- ۷- صفایی، سید حسین و سایرین، (۱۳۸۴)، حقوق بیع بین‌المللی، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- ۸- صفایی، سید حسین، (۱۳۸۹)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادهای)، ج ۲، چاپ دهم، تهران، نشر میزان.
- ۹- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۴)، حقوق مدنی (عقود اذنی - وثیقه‌های دین)، چاپ اول، تهران، نشر بهنشر.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱)، عقود معین، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، نشر انتشار.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، نظریه عمومی تعهدات، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
- ۱۲- ابن عابدین، (۱۴۱۵)، حاشیه رد المحتار، ج ۵، نشر دارالفکر.
- ۱۳- البهوتی، منصور، (۱۴۱۸)، کشف القناع، ج ۳، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۱۴- اردبیلی، احمد، (بی‌تا)، مجمع الفائده والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۸، چاپ اول، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۵- امامی خوانساری، محمد، (بی‌تا)، الحاشیه الثانیه علی المکاسب، ج ۱، چاپ اول، نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲.
- ۱۶- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵)، مکاسب، ج ۶، چاپ اول، قم، نشر کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ۱۷- جمعی از پژوهشگران، (۱۴۱۷)، معجم فقه الجواهر، ج ۵، بیروت، نشر الغدیر.
- ۱۸- حائری، سید علی، (۱۴۰۹)، الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع، ج ۲، چاپ اول، قم، نشر انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی

نجفی.

- ۱۹- خویی، سید ابوالقاسم، (بی‌تا)، مصباح الفقاهه، ج ۷، نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲.
- ۲۰- الرافعی، عبدالکریم، (بی‌تا)، فتح العزیز، ج ۹، نشر دارالفکر، (نرم افزار المعجم فقهی).
- ۲۱- روحانی، سید صادق، (۱۴۱۲)، فقه الصادق، ج ۱۷، چاپ اول، قم، نشر دارالکتاب.
- ۲۲- روحانی، سید صادق، (۱۴۲۹)، منهاج الفقاهه، ج ۶، چاپ پنجم، قم، نشر انوار الهدی.
- ۲۳- سنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۹۷۴)، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ج ۱، بیروت.
- ۲۴- شافعی، محمد بن ادريس، (۱۴۰۳)، الأم، ج ۳، چاپ دوم، نشر دارالفکر.
- ۲۵- الشربینی، محمد، (۱۳۷۷)، مغنی المحتاج، ج ۲، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۶- شمس الدین محمد (الدسوقی)، (بی‌تا)، "حاشیه الدسوقی"، ج ۳، دار احیاء الکتب العربیه.
- ۲۷- شهید ثانی، (۱۴۱۰)، شرح لمعه، ج ۳، چاپ اول، قم، نشر امیر.
- ۲۸- عبدالرحمان، محمود، (بی‌تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه، ج ۱، نرم افزار جامع اهل بیت ۲.
- ۲۹- علامه حلی، (بی‌تا)، تذکره الفقهاء، ج ۱، تهران، نشر مکتب رضوی.
- ۳۰- قدامه، عبدالرحمن بن، (بی‌تا)، الشرح الكبير، ج ۴، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ۳۱- قدامه، عبدالله بن، (بی‌تا)، المغنی، ج ۴، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ۳۲- کرکی، علی، (۱۴۰۸)، جامع المقاصد، ج ۵، قم، مؤسسه آل بیت.
- ۳۳- کمپانی، محمد حسین، (۱۴۱۸)، حاشیه کتاب المکاسب، ج ۵، چاپ اول، قم، نشر أنوار الهدی.
- ۳۴- مجلس عالی شئون اسلامی، (۱۴۱۰)، موسوعه الفقه الاسلامی، موسوم به موسوعه جمال عبدالناصر، ج ۳، مصر.
- ۳۵- "الموسوعه الفقهیه"، (۱۴۰۴)، ج ۲، چاپ دوم، کویت، وزارت اوقاف و شئون اسلامی.